قاعدة لاضرر، جلسه 12، 15/11/98

تقابل بین ضرر و نفع

مرحوم آیت الله خوئی گفته بودند که تقابل ضرر و نفع تقابل تضاد می باشد، کأن اگر واسطه ای بین آن دو باشد، تضاد می شود اما اگر واسطه نباشد، تقابل عدم و ملکه می شود که دائر بین وجود و عدم است؛ آقای نائینی رحمه الله نیز قائل اند که تقابل ضرر و نفع تضاد است چون واسطه ای بینشان می بینند؛ بر خلاف مسئله فسق و عدالت که ملکه و عدم است لکن در این مورد هم ممکن است گفته شود که فسق و عدالت که ملکه و عدم هستند در مورد انسانی است که هنوز بالغ نشده، لذا قبل از بلوغ نه فسق و نه عدالت بر او صادق است؛ پس فرض این تقابل در جایی ممکن است که شأنیت وجود تقابل را دارد و شاید ضرر و نفع هم به همین صورت است یعنی ضرر و نفع در مورد فعل انسانی است که فعلی انجام میدهد پس اگر ضرر رساند گویند که مضرّ است حتی اگر ضرر بعد از مدتی باشد و اگر ضرر نرساند ولی نفعی هم نرساند؛ مضرّ نیست

اما انصاف آن است که گفته شود کلام مرحوم خوئی و نائینی بهتر است چرا که آنچه که از کتب لغت استفاده می شود، ضرر درمقابل نفع است؛ و هر دو به صورت امر وجودی در نظر گرفته می شوند لذا گاهی محقق می شود و گاهی خلاف آن محقق می شود و همانند سایر متضادین است مثل فقر و غنی و کوری و بینایی.

معنای لغوی ضرر و ضرار

بهتر است بحث را در رابطه با معنای ضرر و ضرار و وجه تکرار آن در روایات ببریم لذا ابتدا کلام اهل لغت را مطرح میکنیم:

در نهایة ابن أثیر، بعد از نقل «لا ضرر و لاضرار»، گفته است «الضرر ضد النفع ضرّه یضرّه ضرّا و ضرارا و اضرّ به یضرّه اضرارا فمعنی قوله لا ضرر أی لایضرّ الرجل أخاه فینقصه شیئاً من حقه و الضرار فعال من الضّرّ اي لا یجازیه علی اضراره و ادخال الضرر علیه » ایشان ابتدا فعل ماضی و مضارع و مصدر اول و دوم را به ترتیب آورده است و حالت متعدی با حرف جر را نیز نشان داده است سپس می فرماید: لا ضرر یعنی کسی به برادر مومنش ضرر نرساند و حق او را کم نکند و ضرار هم جزای ضرر است یعنی کسی مجازات نکند دیگری را به اینکه ضرر را به او وارد سازد پس ضرر فعل ابتدایی از یک طرف است و ضرار فعل طرفینی است «وقیل هما بمعنی و التکرار للتأکید، انتهی کلام ابن أثیر»؛

در مصباح المنیر هم گفته «الضرّ بفتح الضاد مصدر ضرّه یضرّه من باب قتل یقتله اذا فعل به مکروهاً و اضرّ به یتعدی بنفسه ، ثلاثیا بالباء رباعیاً والاسم الضرر و قد یطلق علی نقص فی الاعیان و ضارّه مضارّة انتهی کلامه»

«و فی القاموس ان الضرر الضیق» لکن نقل الشیخ فی رسائله من القاموس أنّ الضرار بمعنی الضیق

و فی الصحاح، الضرّ خلاف النفع فقد ضرّه و ضارّه بمعیا و الاسم الضرر الی ان قال الضرار المضارّة» و فی المنجد «الضرّ الضرر ضد النفع الشدة و الضیق و سوء الحال النقصان یدخل فی شیء»

اینها کلمات علمای اهل لغت است و اکثر آنها ضر و ضرار را دو معنا میدانند «لکن مع ذلک قال صاحب الکفایة الاظهر ان یکون الضرار بمعنا الضرر جیء به تأکیدا» در مقابل مرحوم آخوند رحمه الله میگوید که ضرار همان معنای ضرر را میدهد،

مرحوم امام می گویند: «و لیس الضرار یعنی لاضرر فی الحدیث لکونه تکرارا باردا و لا بمعنی الاضرار علی الضرر و لا مباشرة الضرر و لا المجازاة علیه و لا اعتبر کونه بین الإثنین» تکرار ضرر و ضرر فائده ای ندارد و خارج از غرض عقلائی است، هر کدام از ضرر و ضرار در معنای مستقل معنا می شود.

صاحب بدائع در توضیح این کلام می فرماید: «ولا یخفی علیک ان أخذ التکرار تأکیدا یوجب عدم کون هیئة اللفظین فی معنی واحد مع أن الاصل فی الهیئة هو الإختلاف فی المعنی و التأسیس اذاکان فی مادة واحدة نعم ان کانت فی المادتین یمکن الذهاب الی التأکید و وحدة المعنی حتی یکون من قبیل المترادفین کالانسان و البشر» می فرماید اگر تأکید باشد چرا پیامبر صلی الله علیه و آله گفته اند «لا ضرر و لا ضرار»، می توانستند بگویند لا ضرر لا ضرر پس اصل در یک ماده واحد تأسیس است البته اگر در دو ماده باشد مثل انسانه و بشر میتوان گفت که تأکید است ولی در اینجا بهتر است که گفته شود که تأکید نیست.

الحمدلله رب العالمین